

رساله به عبرانیان

بر تری پسر بر فرشتگان

خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق های مختلف بوساطت انبیاء به پدران ما تکلم نمود،

در این ایام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالمها را آفرید؛

که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت نگاهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلیٰ علین بنشست، و از فرشتگان افضال گردید، بمقدار آنکه اسمی بزرگتر از ایشان به میراث یافته بود.

زیرا به کدامیک از فرشتگان هرگز گفت که «پسر من هستی». من امر ورتورا تولید نمودم «و ایض» ن او را پدر خواهم بود و او پسر من خواهد بود» و هنگامی که نخست زاده را باز به جهان میآورد میگوید که «میع فرشتگان خدا او را پرستش کنند.»

و در حق فرشتگان میگوید که «رشتگان خود را با دها میگرداند و خادمان خود را شعله آتش.»

اما در حق پسر: «ی خدا تحت تو تا ابد الابد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است.»

۹ عدالت را دوست و شرارت را دشمن میداری. بنابراین خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده است.»

(و یز میگوید: «وای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است.»

۱۱ آنها فانی، لکن تو باقی هستی و جمیع آنها چون جامه، مندرس خواهد شد،

و مثل رد آنها را خواهی بیچید و تغییر خواهند یافت. لکن تو همان هستی و وسالهای تو تمام نخواهد شد.»

و به کدامیک از فرشتگان هرگز گفت: «نشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم»

آیا همگی ایشان روح های خدمتگدار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند

شد، فرستاده میشوند؟

تشویق به توجه

لذا لازم است که به دقت بلیغ تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم، مبادا که از آن ر بوده شویم. ۲ زیر هر گاه کلامی که بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، بقسمی که هر تجاوز و تغافل را جزای عادل میرسید،

پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ در حالتی که خدا نیز با ایشان شهادت میداد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود.

عیسی، مشابه برادران خود

زیرا عالم آینه‌های را که ذکر آن را می‌کنیم مطیع فرشتگان نساخت.

۶ لکن کسی در موضعی شهادت داده، گفت: «یست انسان که او را بخاطر آوری یا پسر انسان که از او تفقد نمایی؟»

او را از فرشتگان اندکی پستتر قرار دادی و تاج جلال و اکرام بر سر او نهادی و او را بر اعمال دستهای خود گاشتی.

۸ همه چیز را زربایه‌های او نهادی. «پس چون همه چیز را مطیع او گردانید، هیچ چیز را نگذاشت که مطیع او نباشد. لکن الان هنوز نمی‌بینیم که همه چیز مطیع وی شده باشد.

۹ اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذائقه موت را بچشد.

۱۰ زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز می‌باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند.

۱۱ زانو که چون مقدس کننده و مقدسان همه از یک می‌باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند.

۱۲ چنانکه می‌گوید: «سم تو را به برادران خود اعلام میکنم و در میان کلیساتورا تسبیح

خواهم خواندم.»

وایض: «ن بروی توکل خواهم نمود.» و نیز: «ینک من و فرزندانی که خدابه من عطا فرمود.»

پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، اونیز همچنان در این هردو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد، و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود را گرفتار بندگی میبوندند، آزاد گرداند.

زیرا که در حقیقت فرشتگان را دستگیری نمی نماید بلکه نسل ابراهیم را دستگیری مینماید. ۱۷ از این جهت میبایست در همراهی مشابه برادران خود شود تا در امور خداریس کهنهای کریم و امین شده، کفار و گناهان قوم را بکند.

۱۸ زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دیدار استطاعت دارد که تجربه شدگان را اعانت فرماید.

برتری پسر موسی

بنابراین، ای برادران مقدس که در دعوت سماوی شریک هستید، در رسول و رئیس کهنه اعتراف مایعنی عیسی تامل کنید،

که نزد او که وی را معین فرمود امین بود، چنانکه موسی نیز در تمام خانه او بود.

۳ زیرا که این شخص لایق اکر امی بیشتر از موسی شمرده شده آن اندازهای که سازنده خانه را حرمت بیشتر از خانه است.

۴ زیرا هر خانهای بدست کسی بنامیشود، لکن بانی همه خداست.

۵ و موسی مثل خادم در تمام خانه او امین بود تا شهادت دهد بر چیزهایی که میبایست بعد گفته شود.

۶ و اما مسیح مثل پسر بر خانه او. و خانه او ما هستیم بشرطی که تا به انتها به دلیری و نخر امید خود متمسک باشیم.

هشدار علیه بیایمانی

پس چنانکه روح القدس میگوید: «مروزا گرا و از او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او در روز امتحان در بیابان، جایی که پدران شما را امتحان و آزمایش کردند و اعمال مرا تا مدت چهل سال میدیدند.

۱۰ از این جهت به آن گروه خشم گرفته، گفتم ایشان پیوسته در دلهای خود گمراه هستند و راههای مرانشناختند.

۱۱ تا در خشم خود قسم خوردم که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

ای برادران، با حذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریرو بیایمان باشد که از خدای حی مرتد شوید،

بلکه هر روز همدیگر را نصیحت کنید مادامی که «مروز» خوانده میشود، مبادا احدی از شما به فریب نگاه سخت دل گردد.

۱۴ از آنرو که در مسیح شریک گشته ایم اگر به ابتدای اعتماد خود تا به انتها سخت متمسک شویم.

۱۵ چونکه گفته میشود: «مروزا گرا و از او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او.»

پس که بودند که شنیدند و خشم او را جنبش دادند؟ آیا تمام آن گروه نبودند که بواسطه موسی از مصر بیرون آمدند؟

و به که تا مدت چهل سال خشمگین میبود؟ آیا نه به آن عاصیانی که بدنهای ایشان در صحرا ریخته شد؟

و در باره که قسم خورد که به آرامی من داخل نخواهند شد، مگر آنانی را که اطاعت نکردند؟ پس دانستیم که به سبب بیایمانی نتوانستند داخل شوند.

آرامی قوم خدا

پس بترسیم مبادا آنکه وعده دخول در آرامی وی باقی مییابد، ظاهر شود که احدی از شما قاصر شده باشد.

۲ زیرا که به مانیز به مثال ایشان بشارت داده شد، لکن کلامی که شنیدند بدیشان نفع نبخشید، از اینرو که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند.

۳ زیرا ما که ایمان آوردیم، داخل آن آرامی میگردیم، چنانکه گفته است: «رخشم خود قسم خوردم که به آرامی من داخل نخواهند شد.» و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود.

۴ و در مقامی درباره روز هفتم گفت که «روز هفتم خدا از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.»

و باز در این مقام که «ه آرامی من داخل نخواهند شد.»

پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنانی که پیش بشارت یافتند، به سبب نافرمانی داخل نشدند،

باز روزی معین میفرماید چونکه به زبان داود بعد از مدت مدیدی «روز» گفت، چنانکه

پیش مذکور شد که «روز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید.»

زیرا اگر بوشع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن دیگر اذکر نمی کرد.

۹ پس برای قوم خدا آرامی سبت باقی میماند.

۱۰ زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید، چنانکه خدا از اعمال خویش.

۱۱ پس جد و جهد بکنیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز بیفتد.

۱۲ زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و پرنده تراست از هر شمشیر دودم و فرو رنده تا جدا

کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و میزافکار و نیتهای قلب است،

و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است،

برهنه و منکشف میباشد.

رئیس کهنه عظیم

پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته است یعنی عیسی، پسر خدا،

اعتراف خود را محکم بداریم.

۱۵ زیرا رئیس کهنهای نداریم که نتواند هم در ضعفهای ما بشود، بلکه آزموده شده

در هر چیز به مثال ما بدون نگاه.

۱۶ پس باد لیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که

در وقت ضرورت (ار) اعانت کند.

زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان مقرر میشود در امور الهی

تا هدایا و قربانیها برای گناهان بگذرانند؛

که با جاهلان و گمراهان میتواند ملایمت کند، چونکه او نیز در کمزوری گرفته شده است. ^۳ و به سبب این کمزوری، او را لازم است چنانکه برای قوم، همچنین برای خویشان

نیز قربانی برای گناهان بگذرانند.

^۴ و کسی این مرتبه را برای خود نمی گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنانکه هارون را.

^۵ و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کهنه بشود، بلکه او که به وی گفت: «ویسر من هستی، من امروز تو را تولید نمودم.»

چنانکه در مقام دیگر نیز میگوید: «و تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملکيصدق.»

و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید،

هر چند پسر بود، به مصیبتیانی که کشید، اطاعت را آموخت

و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت.

^{۱۰} و خدا او را به رئیس کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملکيصدق.

تشویق به استواری

که در باره او ما را سخنان بسیار است که شرح آنها مشکل میباشد چونکه گوشهای شما سنگین شده است.

^{۱۲} زیرا که هر چند با این طول زمان شمارا میباید معلمان باشید، باز محتاجید که کسی اصول و مبادی الهامات خدا را به شما بیاموزد و محتاج شیر شدیده نه غذای قوی.

^{۱۳} زیرا هر که شیر خواره باشد، در کلام عدالت ناآزموده است، چونکه طفل است.

^{۱۴} اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را به موجب عادت، ریاضت داد هاند تا تمییز نیک و بد را بکنند.

بنابراین، از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجویم و بار دیگر بنیاد تو به از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم،

و تعلیم تعمیدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را.

- ۳ و این را بهجا خواهیم آورد هر گاه خدا اجازت دهد.
- زیرا آنانی که یک بار منور گشتند ولذت عطا ی سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند
- ولذت کلام نیکوی خدا و قوت عالم آینده را چشیدند،
- اگر یافتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب میکنند و او را بجرمت میسازند.
- ۷ زیرا زمینی که بارانی را که بارها بر آن میافتد، میخورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود میرویانند، از خدا برکت مییابد.
- ۸ لکن اگر خار و خشک میرویانند، متروک و قرین به لعنت و در آخر، سوخته میشود.
- امای عزیزان در حق شما چیزهای بهتر و قرین نجات را یقین میداریم، هر چند بدینطور سخن میگوییم.
- ۱۰ زیرا خدا بیانصاف نیست که عمل شما و آن محبت را که به اسم او از خدمت مقدسین که در آن مشغول بوده و هستید ظاهر کردهاید، فراموش کند.
- ۱۱ لکن آرزوی این داریم که هر یک از شما همین جد و جهد را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر نمایید،
- و کاهل مشوید بلکه اقتدا کنید آنانی را که به ایمان و صبر وارث و عدهها میباشند.
- اعتماد به وعده استوار خدا
- زیرا وقتی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون به بزرگتر از خود قسم نتوانست خورد، به خود قسم خورده، گفت:
- «راینه من تو را برکت عظیمی خواهم داد و تو را بینهایت کثیر خواهم گردانید.»
- و همچنین چون صبر کرد، آن وعده را یافت.
- ۱۶ زیرا مردم به آنکه بزرگتر است، قسم میخورند و نهایت هر مخالفه ایشان قسم است تا اثبات شود.
- ۱۷ از اینرو، چون خدا خواست که عدم تغییر اراده خود را به وارثان وعده به تاکید بیشمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد.

۱۸ تا به دو امر بی‌تغییر که ممکن نیست خدا در مورد آنها دروغ گوید، تسلی قوی حاصل شود برای ما که پناه بر دیم تا به آن امیدی که در پیش ما گذارده شده است تمسک جوئیم، و آن را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در درون حجاب داخل شده است، جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد یعنی عیسی که بر تبه ملک‌ی‌صدق، رئیس کهنه گردید تا ابد الابد.

ملکی‌صدق

زیر این ملک‌ی‌صدق، پادشاه سالم و کاهن خدای تعالی، هنگامی که ابراهیم از شکست دادن ملوک، مراجعت میکرد، او را استقبال کرده، بدو برکت داد.

۲ و ابراهیم نیز از همه چیزها دهیک بدو داد؛ که او اول ترجمه شده «ادشاه عدالت» است و بعد ملک سالم نیز یعنی «ادشاه سلامتی».

□ بیدار و بیدار و بی‌نسب نامه و بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بلکه به شبیه پسر خدا شده، کاهن دائمی میماند.

پس ملاحظه کنید که این شخص چقدر بزرگ بود که ابراهیم پاتریارخ نیز از بهترین غنایم، دهیک بدو داد.

۵ و اما از اولاد لای کسانی که کهنات را میبایند، حکم دارند که از قوم بحسب شریعت دهیک بگیرند، یعنی از برادران خود، با آنکه ایشان نیز از صلب ابراهیم پدید آمدند.

۶ لکن آن کس که نسبتی بدیشان نداشت، از ابراهیم دهیک گرفته و صاحب وعدهها را برکت داده است.

۷ و بدون هر شبهه، کوچک از بزرگ برکت داده میشود.

۸ و در اینجا مردمانی دهیک میگیرند، اما در آنجا کسیکه برزنده بودن وی شهادت داده میشود.

۹ حتی آنکه گویایم توان گفت که بواسطت ابراهیم از همان لای که دهیک میگیرد، دهیک گرفته شد،

زیرا که هنوز در صلب پدر خود بود هنگامی که ملک‌ی‌صدق او را استقبال کرد.

کهنات عیسی بر رتبه ملک‌یصدق

و دیگر اگر از کهنات لاوی، کمال حاصل میشد (یراقوم شریعت را بر آن یافتند) باز چه احتیاج میبود که کاهنی دیگر بر رتبه ملک‌یصدق مبعوث شود و مذکور شود که بر رتبه هارون نیست؟

زیرا هر گاه کهنات تغییر میپذیرد، البته شریعت نیز تبدیل مییابد.

۱۳ زیرا او که این سخنان در حق وی گفته میشود، از سبب دیگر ظاهر شده است که احدی از آن، خدمت قربانگاه را نکرده است.

۱۴ زیرا واضح است که خداوند ما از سبب یهود اطلوع فرمود که موسی در حق آن سبب از جهت کهنات هیچ نگفت.

و نیز بیشتر مبین است از اینکه به مثال ملک‌یصدق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید که به شریعت و احکام جسمی مبعوث نشود بلکه به قوت حیات غیر فانی.

۱۷ زیرا شهادت داده شد که «و تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملک‌یصدق.»

زیرا که حاصل میشود هم نسخ حکم سابق بعلت ضعف و عدم فایده آن

(از آن جهت که شریعت هیچ چیز را کامل نمی گرداند) و هم بر آوردن امید نیکوتر که به آن تقرب به خدای جویم.

۲۰ و بقدر آنکه این بدون قسم نمی باشد.

۲۱ زیرا ایشان بیقسم کاهن شده اند ولیکن این با قسم از او که به وی میگوید: «داوند قسم خورد و تغییر اراده نخواهد داد که تو کاهن ابدی هستی بر رتبه ملک‌یصدق.»

به همین قدر نیکوتر است آن عهدی که عیسی ضامن آن گردید.

۲۳ و ایشان کاهنان بسیار میشوند، از جهت آنکه موت از باقی بودن ایشان مانع است.

۲۴ لکن وی چون تا به ابد باقی است، کهنات بی‌زوال دارد.

۲۵ از این جهت نیز قادر است که آنان را که بوسیله وی نزد خدا آیند، نجات بینهایت بخشد، چونکه دائم زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.

زیرا که ما را چنین رئیس کهنه شایسته است، قدوس و بی‌آزار و بیعیب و از نگاه کاران جدا شده و از آسمانها بلند تر گردیده

که هر روز محتاج نباشد به مثال آن روسای کهنه که اول برای گاهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذرانند، چونکه این رایک بار فقط بهجا آورد هنگامی که خود را به قربانی گذرانید.

۲۸ از آنرو که شریعت مردمانی را که کمزوری دارند کاهن میسازد، لکن کلام قسم که بعد از شریعت است، پسر را که تا ابد آباد کامل شده است.

رئیس کهنه عهد جدید

پس مقصود عمده از این کلام این است که برای ما چنین رئیس کهنه‌های هست که در آسمانها به دست راست تخت کبریانشسته است،

که خادم مکان اقدس و آن خیمه حقیقی است که خداوند آن را بر ما نموده انسان.

۳ زیرا که هر رئیس کهنه مقرر میشود تا هدایا و قربانیها بگذرانند، و از این جهت واجب است که او را نیز چیزی باشد که بگذرانند.

۴ پس اگر بر زمین می بود، کاهن نمی بود چون کسانی هستند که به قانون شریعت هدایا را میگذرانند.

۵ و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت میکنند، چنانکه موسی ملهم شد هنگامی که عازم بود که خیمه را بسازد، زیرا بدو میگوید: «گاه باش که همه چیز را به آن نمونهای که در کوه به تونشان داده شد بسازی.»

لکن الان او خدمت نیکوتر یافته است، به مقداری که متوسط عهد نیکوتر نیز هست که بروعه های نیکوتر مرتب است.

زیرا اگر آن اول بیعیب میبود، جایی برای دیگری طلب نمی شد.

۸ چنانکه ایشان را ملامت کرده، میگوید: «داوند میگوید اینک ایامی میآید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه استوار خواهیم نمود.

۹ نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم، در روزی که من ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بر آوردم، زیرا که ایشان در عهد من ثابت نماندند. پس خداوند میگوید من ایشان را واگذاردم.

- ۱۰ و خداوند میگوید این است آن عهدی که بعد از آن ایام با خاندان اسرائیل استوار خواهم داشت که احکام خود را در خاطر ایشان خواهم نهاد و بردل ایشان مرقوم خواهم داشت و ایشان را خدا خواهم بود و ایشان مرا قوم خواهند بود.
- ۱۱ و دیگر کسی همسایه و برادر خود را تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس زیرا که همه از خرد و بزرگی مرا خواهند شناخت.
- ۱۲ زیرا بر تقصیرهای ایشان ترحم خواهم فرمود و گناهانشان را دیگری به یاد نخواهم آورد.»
- پس چون «از» گفت، اول را کهنه ساخت؛ و آنچه کهنه و پیر شده است، مشرف بر زوال است.

فرائض قدس دنیوی

- خلاصه آن عهد اول را نیز فرائض خدمت و قدس دنیوی بود.
- ۲ زیرا خیمه اول نصب شد که در آن بود چراغدان و میز و نان تقدّمه، و آن به قدس مسمی گردید.
- ۳ و در پشت پرده دوم بود آن خیمه‌های که به قدس سالقدا س مسمی است، که در آن بود مجمره زرین و تابوت شهادت که همه اطرافش به طلا آراسته بود؛ و در آن بود حقه طلا که پراز من بود و عصای هارون که شکوفه آورده بود و دلو لوح عهد.
- ۵ و برزبان کروبیان جلال که بر تخت رحمت سایه گستر میبوندند و الان جای تفصیل آنها نیست.
- پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد، کهنه بجهت ادای لوازم خدمت، پیوسته به خیمه اول درمی آیند.
- ۷ لکن در دوم سالی یک مرتبه رئیس کهنه‌تهدا داخل میشود؛ و آن هم نه بدون خونی که برای خود و برای جهالات قوم میگذرانند.
- ۸ که به این همه روح القدس اشاره مینماید بر اینکه مادامی که خیمه اول برپاست، راه مکان اقدس ظاهر نمی شود.
- ۹ و این مثلی است برای زمان حاضر که بحسب آن هدایا و قربانیه‌ها را میگذرانند که قوت ندارد که عبادت‌کننده را از جهت ضمیر کامل گرداند،

چونکه اینها با چیزهای خوردنی و آشامیدنی و طهارات مختلفه، فقط فرایض جسدی است که تازمان اصلاح مقرر شده است.

مسیح کاهن و فدیة ابدی

لیکن مسیح چون ظاهر شد تارئیس کهنه نعمتهای آینده باشد، به خیمه بزرگتر و کاملتر و ناساخته شده بهدست یعنی که از این خلقت نیست،

و نه به خون بزها و گوسالهها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی رایافت.

۱۳ زیرا هر گاه خون بزها و گاو و خا کستر گوساله چون برآلودگان پاشیده میشود، تا به طهارت جسمی مقدس میسازد،

پس آیا چند مرتبه زیاده، خون مسیح که به روح ازلی خویشترن را بیعیب به خدا گذرانید،

ضمیر شمار از اعمال مرده ظاهر نخواهد ساخت تا خدای زنده را خدمت نماید؟
و از این جهت او متوسط عهد تازهای است تا چون موت برای کفاره تقصیرات عهد اول بوقوع آمد، خوانده شدگان وعده میراث ابدی را بیابند.

۱۶ زیرا در هر جایی که وصیتی است، لابد است که موت و وصیتکننده را تصور کنند، زیرا که وصیت بعد از موت ثابت میشود؛ زیرا مادامی که وصیتکننده زنده است، استحکامی ندارد.

۱۸ و از اینرو، آن اول نیز بدون خون برقرار نشد.

۱۹ زیرا که چون موسی تمامی احکام را بحسب شریعت، به سمع قوم رسانید، خون گوسالهها

و بزها را با آب و پشم قرمز و زوفا گرفته، آن را بر خود کتب و تمامی قوم پاشید؛

و گفت: «این است خون آن عهدی که خدا با شما قرار داد.»

و همچنین خیمه و جمیع آلات خدمت را نیز به خون بیالود.

۲۲ و بحسب شریعت، تقریب همه چیز به خون ظاهر میشود و بدون ریختن خون، آمرزش نیست.

پس لازم بود که مثل های چیزهای سماوی به اینها ظاهر شود، لکن خود سماویات به قربانی های نیکوتر از اینها.

۲۴ زیرا مسیح به قدس ساخته شده بهدست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛

بلکه به خود آسمان تا آنکه الان در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود. ۲۵ و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل میشود؛

زیرا در این صورت میبایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الان یک مرتبه در او اخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، نگاه را محو سازد. ۲۷ و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزایافتن مقرر است، همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون نگاه، برای کسانی که منتظر او میباشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات.

قربانی یگانه مسیح

زیرا که چون شریعت را سایه نعمتهای آینده است، نه نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی تواند هر سال به همان قربانی هایی که پیوسته میگذرانند، تقرب جویندگان را کامل گرداند.

۲ و الا آیا گذرانیدن آنها موقوف نمی شد چونکه عبادتکنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی داشتند؟ بلکه در اینها هر سال یادگاری گناهان میشود. ۴ زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند.

لذا هنگامی که داخل جهان میشود، میگوید: «ربانی و هدیه را نخواستی، لکن جسدی برای من میبایستی.»

۶ به قربانی های سوختنی و قربانی های نگاه رغبت نداشتی.

۷ آنگاه گفتم، اینک میآیم (رطومار کتاب در حق من مکتوب است) تا اراده تو را ای خدا بجا آورم.»

چون پیش میگوید: «دایا و قربانیا و قربانی های سوختنی و قربانی های نگاه را نخواستی و به آنها رغبت نداشتی،» که آنها را بحسب شریعت میگذرانند، بعد گفت که «اینک میآیم تا اراده تو را ای خدا بجا آورم.» پس اول را برمی دارد، تا دوم را استوار سازد.

- و به این اراده مقدس شده‌هایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط.
- ۱۱ و هر گاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستد و همان قربانیها را مکرر میگذراند که هرگز رفع نگاهان را نمی‌تواند کرد.
- ۱۲ لکن او چون یک قربانی برای نگاهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابد الابد.
- ۱۳ و بعد از آن منتظر است تا دشمنانش پای اندازا شوند.
- ۱۴ از آنرو که به یک قربانی مقدسان را کامل گردانیده است تا ابد الابد.
- ۱۵ و روح القدس نیز برای ما شهادت میدهد، زیرا بعد از آنکه گفته بود:
- «بن است آن عهدی که بعد از آن ایام با ایشان خواهم بست، خداوند میگوید احکام خود را در دلهای ایشان خواهم نهاد و بر ذهن ایشان مرقوم خواهم داشت، (از میگوید) و نگاهان و خطایای ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.»
- اما جایی که آمرزش اینها هست، دیگر قربانی نگاهان نیست.
- تشویق به پایداری
- پسای برادران، چونکه به خون عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم از طریق تازه و وزنده که آن را بجهت ما از میان پرده یعنی جسم خود می‌انموده است، و کاهنی بزرگ را بر خانه خدا داریم،
- پس به دل راست، در یقین ایمان، دلهای خود را از ضمیر بد پاشیده و بد نه‌های خود را به آب پاک غسل داده، نزدیک پیایم؛
- و اعتراف امید را محکم نگاه داریم زیرا که وعده دهند امین است.
- ۲۴ و ملا حظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکو تر غیب نماییم.
- ۲۵ و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیاد تر به اندازه‌های که میبینید که آن روز نزدیک میشود.
- زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمد نگاهکار شویم، دیگر قربانی نگاهان باقی نیست، بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت آتشی که مخالفان را فرو خواهد برد.

- ۲۸ هر که شریعت موسی را خوار شمرد، بدون رحم به دو یاسه شاهد کشته میشود.
- ۲۹ پس به چه مقدار گن می‌کنید که آن کس، مستحق عقوبت سخت‌تر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پامال کرد و خون عهدی را که به آن مقدس گردانیده شد، ناپاک شمرد و روح نعمت رابی حرمت کرد؟
- زیرا می‌شناسیم او را که گفته است: «داوند قوم خود را دآوری خواهد نمود.»
افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.
- ولیکن ایام سلف را به یاد آورید که بعد از آنکه منور گردیدید، متحمل مجاهد‌های عظیم از دردها شدید،
چه از اینکه از دشمنان و زحمات تماشای مردم میشدید، و چه از آنکه شریک با کسانی میبودید که در چنین چیزها سر می‌بردند.
- ۳۴ زیرا که با سیران نیز هم‌درمی بودید و تاراج اموال خود را نیز به خوشی میپذیرفتید، چون دانستید که خود شمارا در آسمان مال نیکوتر و باقی است.
- ۳۵ پس ترک مکنید دلبری خود را که مقرون به مجازات عظیم میباشد.
- ۳۶ زیرا که شمارا صبر لازم است تا اراده خدا را بجا آورده، وعده را بپایید.
- ۳۷ زیرا که «عذاب آنکه زمانی، آن آینده خواهد آمد و تاخیر نخواهد نمود.
- ۳۸ لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من باوی خوش نخواهد شد.»
لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران تاجان خود را دریابیم.

به ایمان

- پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای نادیده.
- ۲ زیرا که به این، برای قدم‌های شهادت داده شد.
- به ایمان فهمیدهایم که عالم‌ها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد.
- به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قاشن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است، به آنکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد، و به سبب همان بعد از مردن هنوز گوینده

است.
 به ایمان خنوخ منتقل گشت تاموت را نبیند و نایاب شد چرا که خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد.
 ۶ لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا میدهد.
 به ایمان نوح چون در باره اموری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خدا ترس شده، کشتیای بجهت اهل خانه خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید.
 به ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و بیرون رفت به سمت آن مکانی که میبایست به میراث یابد. پس بیرون آمد و غمی دانست به کجا میرود.
 ۹ و به ایمان در زمین وعده مثل زمین بیگانه غربت پذیرفت و در خیمهها با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود.
 ۱۰ زانو که مترقب شهری با بنیاد بود که معمار و سازنده آن خداست.
 به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد از انقضای وقت زایید، چونکه وعده دهندگان را امین دانست.
 ۱۲ و از این سبب، از یک نفر و آن هم مرده، مثل ستارگان آسمان، کثیر و ماندنی گهای نگار دریا، بیشمار زاییده شدند.
 در ایمان همه ایشان فوت شدند، در حالیکه وعدهها را نیافته بودند، بلکه آنها را از دور دیده، تحیت گفتند و اقرار کردند که بروی زمین، بیگانه و غریب بودند.
 ۱۴ زیرا کسانی که همچنین میگویند، ظاهر میسازند که در جستجوی وطنی هستند.
 ۱۵ و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، بخاطر میآوردند، هر آینه فرصت میداشتند که (دانش) برگردند.
 ۱۶ لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (طن) سماوی هستند و از این رو خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود، چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است.
 به ایمان ابراهیم چون امتحان شد، اسحاق را گذرانید و آنکه وعدهها را پذیرفته بود، پس بیگانه خود را قربانی میکرد؛

که به او گفته شده بود که «سل توبه اسحاق خوانده خواهد شد.»
 چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن از اموات است و همچنین او را در مثلی
 از اموات نیز با زیافت.
 به ایمان اسحاق نیز یعقوب و عیسو را در امور آینده برکت داد.
 به ایمان یعقوب در وقت مردن خود، هر یکی از پسران یوسف را برکت داد و بر سر عصای
 خود سجده کرد.
 به ایمان یوسف در حین وفات خود، از خروج بنی اسرائیل اخبار نمود و در باره استخوانهای
 خود وصیت کرد.
 به ایمان موسی چون متولد شد، والدینش او را طفلی جمیل یافته، سه ماه پنهان کردند و
 از حکم پادشاه بیم نداشتند.
 به ایمان چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود،
 و دلیل بودن با قوم خدا را پسندیده تر داشت از آنکه لذت اندک زمانی نگاه را ببرد؛
 و عار مسیح را دولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت زیرا که به سوی مجازات نظر میداشت.
 ۲۷ به ایمان، مصر را ترک کرد و از غضب پادشاه نترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید،
 استوار ماند.
 ۲۸ به ایمان، عید فصیح و پاشیدن خون را بعمل آورد تا هلاک کننده نخستزادگان،
 برایشان دست نگذارد.
 به ایمان، از بحر قلزم به خشکی عبور نمودند و اهل مصر قصد آن کرده، غرق شدند.
 به ایمان حصار اریحا چون هفت روز آن را طواف کرده بودند، به زیر افتاد.
 به ایمان، را حاب فاحشه با عاصیان هلاک نشد زیرا که جاسوسان را به سلامتی پذیرفته
 بود.
 و دیگر چه گوئیم؟ زیرا که وقت مرا کفاف نمی دهد که از جدعون و باراق و شمشون و
 یفتاح و داود و سموئیل و انبیا اخبار نمایم،
 که از ایمان، تسخیر ممالک کردند و به اعمال صالحه پرداختند و وعده هاراپذیرفتند و دهان
 شیران را بستند،
 سورت آتش را خاموش کردند و از دم شمشیر هارستگار شدند و از ضعف، توانایی یافتند
 و در جنگ شجاع شدند و لشکرهای غر بار امنهزم ساختند.

۳۵ زنان، مردگان خود را به قیامت باز یافتند، لکن دیگران معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند.

۳۶ و دیگران از استهزاها و تازیانه‌ها بلکه از بندها و زندان آزموه شدند.

۳۷ سنگسار گردیدند و باره دوپاره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره شدند.

۳۸ آنانی که جهان لایق ایشان نبود، در صحراها و کوهها و مغارها و شکافهای زمین پراکنده گشتند.

پس جمیع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند، وعده را نیاftند.

۴۰ زیرا خدا برای ما چیزی نیکوتر میا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند.

تشویق به پایداری و پذیرش

تادیب الهی بنا بر این چونکه مانیز چنین ابرشاهدان را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گگاهی را که ما را سخت میپیچد دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدویم،

و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، یحرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تحت خدا نشسته است.

۳ پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از نگاهکاران به او پدید آمد،

مبادا در جانهای خود ضعف کرده، خسته شوید.

۴ هنوز در جهاد با نگاه تا به حد خون مقاومت نکرد هاید،

و نصیحتی را فراموش نمود هاید که باشما چون با پسران مکالمه میکند که «ی پسر من تادیب خدا و ندر احوار مشمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو.

۶ زیرا هر که را خدا و ندد دوست میدارد، تو بیخ میفر ماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه میزند.»

اگر متحمل تادیب شوید، خدا باشما مثل با پسران رفتار مینماید. زیرا کدام پسر

است که پدرش او را تادیب نکند؟

لکن اگر بیتادیب میباشید، که همه از آن بهره یافتند، پس شما حرام زاد گانیده پسران.

۹ و دیگر پدران جسم خود را وقتی داشتیم که ما را تادیب مینمودند و ایشان را احترام مینمودیم، آیا از طریق اولی پدر و چهار اطاعت نکنیم تا زنده شویم؟
زیرا که ایشان اندک زمانی، موافق صواب دید خود ما را تادیب کردند، لکن او بجهت فایده تا شریک قدوسیت او گردیم.

۱۱ لکن هر تادیب در حال، نه از خوشیها بلکه از دردها مینماید، اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته اند بار میآورد.
۱۲ لهند استهای افتاده و زنانهای سست شده را استوار نمایید،
و برای پایهای خود راههای راست بسازید تا کسیکه لنگ باشد، از طریق منحرف نشود، بلکه شفا یابد.

هشدار در مورد بازگشت به گناه

و در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که بغیر از آن هیچکس خداوند را نخواهد دید.
۱۵ و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آوده گردند.

۱۶ مبادا شخصی زانی یا بیجالات پیدا شود، مانند عیسو که برای طعمای نخستزادگی خود را بفروخت.

۱۷ زیرا میدانید که بعد از آن نیز وقتی که خواست وارث برکت شود مردود گردید (پرا که جای توبه پیدا نمود) (با آنکه با شکها در جستجوی آن بکوشید.
زیرا تقرب نجسها پدید به کوهی که میتوان لمس کرد و به آتش افروخته و نه به تاریکی و ظلمت و یاد سخت،
و نه به آواز کرنا و صدای کلامی که شنوندگان، التماس کردند که آن کلام، دیگر بدیشان گفته نشود.

۲۰ زیرا که متحمل آن قدغن نتوانستند شد که اگر حیوانی نیز کوه را لمس کند، سنگسار یابد نیزه زده شود.

۲۱ و آن رویت بحدی ترسناک بود که موسی گفت: «غایت ترسان و لرزانم.»
بلکه تقرب جسته اید به جبل صهیون و شهر خدای حی یعنی اورشلیم سماوی و به جنود
بیشماره از محفل فرشتگان

و کلیسای نخستزادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع وبه ارواح عادلان مکمل

وبه عیسی متوسط عهد جدید و به خون پاشیده شده که متکلم است به معنی نیکوتر از خون هابیل.

زنها را از آنکه سخن میگویند و مگردانید زیرا اگر آنانی که از آنکه بر زمین سخن گفت روگردانیدند، نجات نیافتند، پس ما چگونه نجات خواهیم یافت اگر از او که از آسمان سخن میگوید روگردانیم؟ که آواز او در آن وقت زمین را جنبانید، لکن الان وعده داده است که «ک مرتبه دیگر نه فقط زمین بلکه آسمان را نیز خواهیم جنبانید.»

و این قول او یک مرتبه دیگر اشاره است از تبدیل چیزهایی که جنبانیده میشود، مثل آنهایی که ساخته شد، تا آنهایی که جنبانیده نمی شود باقی ماند.

پس چون ملکوتی را که نمی توان جنبانید می یابیم، شکر به جای آوریم تا به خشوع و تقوا خدا را عبادت پسندیده نماییم.

۲۹ زیرا خدای ما آتش فرو برنده است.

نصایح پایانی

محبت برادرانه برقرار باشد؛

۱ و از غر بینوازی غافل مشوید زیرا که به آن بعضی نادانسته فرشتگان راضیافت کردند.

۳ اسیران را بخاطر آرایدم مثل همزندان ایشان، و مظلومان را چون شمانیز در جسم هستید.

نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیر نجس زیرا که فاسقان و زانیان را خداداوری خواهد فرمود.

۵ سیرت شما از محبت نقره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است:

«و راهر گزرها نکنم و تورا ترک نخواهم نمود.»

بنابراین ما بادلیری تمام میگویم: «داوند مددکننده من است و ترسان نخواهم بود. انسان

به من چه میکند؟»

مرشدان خود را که کلام خدا را به شماییان کردند بخاطر دارید و انجام سیرت ایشان

را ملاحظه کرده، به ایمان ایشان اقتدا نمائید.

- ۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد الابد همان است.
- از تعلیمهای مختلف و غریب از جا برده مشوید، زیرا بهترین است که دل شما به فیض استوار شود و نه به خورا کهایی که آنانی که در آنها سلوک نمودند، فایده نیافتند.
- مذبحی داریم که خدمت گذاران آن خیمه، اجازت ندارند که از آن بخورند.
- ۱۱ زیرا که جسد های آن حیواناتی که رئیس کهنه خون آنها را به قدس اقدس برای گاه میبرد، بیرون از لشکر گاه سوخته میشود.
- ۱۲ بنابراین، عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید.
- ۱۳ لهذا عار او را برگرفته، بیرون از لشکر گاه به سوی او برویم.
- ۱۴ زانو که در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده را طالب هستیم.
- ۱۵ پس بوسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند.
- لکن از نیکو کاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانیها راضی است.
- مرشدان خود را اطاعت و انقیاد نمایند زیرا که ایشان پاسبانی جانهای شما را میکنند، چونکه حساب خواهند داد تا آن را به خوشی نه به ناله بهجا آورند، زیرا که این شمار مفید نیست.
- برای ما دعا کنید زیرا ما را یقین است که ضمیر خالص داریم و میخوایم در هر امر رفتار نیکو نمایم.
- ۱۹ و بیشتر التماس دارم که چنین کنید تا زود تر به نزد شما باز آورده شوم.
- پس خدای سلامتی که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید،
- شماره در هر عمل نیکو کامل گرداند تا اراده او را بهجا آورد و آنچه منظور نظر او باشد، در شما بعمل آورد بوساطت عیسی مسیح که او را تا ابد الابد جلال باد. آمین.
- لگای برادران از شما التماس دارم که این کلام نصیحتاً میزما متحمل شوید زیرا مختصری نیز به شما نوشتم.
- ۲۳ بدانید که برادر ما تیموتوس رهایی یافته است و اگر زود آید، به اتفاق او شمارا ملاقات

خواهم نمود.

همه مرشدان خود و جمیع مقدسین را سلام برسانید؛ و آنانی که از ایتالیا هستند، به شما سلام

میرسانند.

همگی شمارا فیض باد. آمین.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f